

مریم آقایی بجمستانی
عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی سمنان

ابن رشد و دیدگاههای فقهی بدایة المجتهد و نهاية المقتصد

چکیده

ابوالوالید محمد بن احمد بن رشد، فقیهی برجسته در زمینه تطبیق مذاهب است. وی با نگارش کتاب «بدایة المجتهد و نهاية المقتصد» که یکی از منابع مستفل و ارزنده در زمینه فقه تطبیقی اهل سنت است، توانست دیدگاههای منحصر به فرد خود را نمایان سازد و به عنوان یک فقیه نواندیش و آزاد از قید و بند تعصبات مذهبی مورد تحسین قرار گیرد. کتاب فقهی او را می‌توان گامی در جهت تکامل حقوق اسلامی به شمار آورد. *پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

کلید واژه:

ابن رشد، فقه تطبیقی، مذاهب فقهی، بدایة المجتهد و نهاية المقتصد

مقدمه

ابوالولید محمد بن احمد بن محمد رشد مشهور به حفید که در نزد غربیان با نام افروس "Averroes" شناخته شده است؛ فیلسوف، شارح و مفسر آثار ارسطو، فقیه و پزشک برجسته غرب اسلامی یعنی اندلس می‌باشد. وی در سال ۵۲۰ ق/ ۱۱۲۶ م در شهر قرطبه در اندلس زاده شد. پدر و پدربزرگش هر دو از فقیهان و عالمان نامدار و بلندپایه زمان خود بوده‌اند. پدربزرگش محمد بن احمد بن رشد (۴۵۰-۵۲۰ ق) قاضی القضاة و امام مسجد جامع شهر قرطبه و دارای تألیفات مهمی در فقه مالکی بوده است پدرش احمد بن محمد بن احمد نیز فقیه و قاضی بوده است. پدرش احمد بن محمد بن احمد نیز فقیه و قاضی بوده است (ر.ک، دایرةالمعارف اسلامی، تحت عنوان ابن رشد؛ زرکلی، الاعلام، ۲۱۲/۶).

ابن رشد نخست نزد پدرش فقه آموخت و کتاب موطأ را به حافظه سپرد همچنین اندکی فقه نزد ابوالقاسم بن بشکوال و سپس نزد ابومحمد بن رزق و ادبیات عرب را نزد سمحون آموخت. پزشکی را نیز نزد ابومروان بن حرّیول بلنسی و ابوجعفر بن هارون التجالی یا الترجالی فراگرفت. استادان وی در فلسفه شناخته شده نیستند و ما تنها می‌دانیم مدتی را که نزد ابوجعفر هارون الترجالی (شهر ترجاله و ترخیلو در اندلس) می‌گذرانده از وی ریاضیات و نیز بسیاری از علوم حکمی را آموخته است. ابن رشد بر علم کلام و به ویژه کلام اشعری تسلط داشت. هر چند بعداً در نوشته‌هایش از متکلمین انتقاد کرده است (ر.ک، یوحنا قمیر، فلاسفه العرب، ۷/۱ و ربنان. ارنست، ابن رشد و البرشیه، ۳۳).

دوران اجتماعی ابن رشد

فعالیت‌های اجتماعی و علمی ابن رشد در دوران فرمانروایی موحدون در اندلس جریان داشته است. در این میان سرگذشت وی با توجه به رویدادهای دوران حکومت دو تن از برجسته‌ترین فرمانروایان موحدون یعنی ابویقوب یوسف و ابویوسف یعقوب گره خورده بود، هر چند آغاز فعالیت‌های اجتماعی و علمی وی در دوران فرمانروایی بانی سلسله موحدون عبدالمؤمن علی (۵۲۴-۵۸۸ ق) بوده است. بنا بر گزارش‌های تاریخ نویسان، عبدالمؤمن خود مردی دانشمندپرور

بوده و در دوران فرمانروایی اش دانشمندان را از هر سو فرا خوانده و زندگی آسوده‌ای برایشان فراهم می‌کرده است.

در سال ۵۴۷ ق، ابن‌رشد در مراکش بوده و شاید برای اجرای مقاصد عبدالؤمن، برپایی مدارس آنجا اشتغال داشته است.

پس از مرگ عبدالؤمن (۵۵۸ ق)، پسرش ابویعقوب یوسف جانشین وی شد. دوران فرمانروایی او آکنده از حوادث، درگیری‌ها، جنگها، پیروزیها و شکست‌ها بود. حاکمیت موحدون کاملاً استوار شد و اندلس از شکوفایی زندگی اجتماعی و فرهنگی برخوردار گردید. از جایی که ابویعقوب مردی دانشمند بود، دانشمندان بسیاری در اطراف او جمع شدند. یکی از برجسته‌ترین آنها، فیلسوف نامدار، ابن طفیل بود که وزیر و طبیب دربار ابویعقوب گردید و ابن‌رشد را به ابویعقوب معرفی کرد. اما ابن‌رشد، مدت زیادی نزد ابویعقوب نماند زیرا در سال ۵۶۵ ق، وی را در منصب قضا در شهر اشپیلیه می‌یابیم. حدود سال ۵۶۷ ق، ابن‌رشد با همان عنوان قاضی به قرطبه بازگشت. او به خاطر وظایفی که داشت مجبور بود بارها به گوشه و کنار امپراطوری موحدون سفر کند.

پس از مرگ ابویعقوب، پسرش ابویوسف یعقوب (باسی و دو سال سن)، جانشین پدر گردید. ابن‌رشد تقریباً تا اواخر دوران فرمانروایی ابویوسف از تقرب و احترام وی برخوردار بود اما در اواخر عمر ابویوسف، مغضوب وی شد. در معضوبیت ابن‌رشد علاوه بر علل سیاسی عوامل شخصی هم دخالت داشته‌اند؛ از یک طرف نزدیکی وی به ابویحیی که مورد غضب ابویوسف بود و از طرف دیگر رقابتها، حسادتها و توطئه‌های فقیهان قشری و درباریان ابویوسف در معضوبیت ابن‌رشد نزد وی مؤثر بود. سرانجام توطئه این بود که ابویوسف ابن‌رشد را به «الیسانه» شهرکی در نزدیکی قرطبه که زمانی بهودیان در آن سکن داشتند تبعید کرد. اما این تبعید دیری نپایید و گفته می‌شود که اعیان اشپینه از وی نزد ابویوسف شفاعت کردند و پس از چندی به مراکش بازگشت. ابن‌رشد در مراکش بیمار شد و در ۹ صفر ۵۹۵ هـ ق درگذشت (ر.ک، عقاد، محمود، نوابغ الفكر العربی، ابن رشد، ۲۶). جسد ابن‌رشد در نزدیکی مراکش به خاک سپرده شد (ر.ک، دایرة المعارف الاسلامیه، تحت عنوان ابن‌رشد). و بعد از سه ماه به قرطبه منتقل شد و در قبرستان خانوادگی اش دفن گردید (ر.ک، قمیر، یوحنا، فلاسفة العرب، (ابن‌رشد)، ۱ / ۱۵۱).

آثار ابن رشد

برخی از آثار ابن رشد به هنگام مغضوبیت وی در نزد ابویوسف سوزانده شد و برخی دیگر نیز بعد از مرگش تحریم گردید با این وجود آثار باقی مانده از او به حدی است که بنا به نقل یوحنا قمیر صاحب کتاب *فلاسفة العرب*، از ابن عربی وقتی تابوت او را بر قاطر نهادند تألیفات وی برای تعادل به سوی دیگر قاطر بار گردید.

تألیفات و آثار ابن رشد را می توان به سه دسته تقسیم بندی کرد:

الف) تفسیرها یا شروح مفصل که نص اصلی را به طور مستقل ذکر و سپس آن را تفسیر کرده و شرح داده است.

این کتب عبارتند از:

- ۱- تفسیر ما بعد الطبیعه
- ۲- شرح کتاب البرهان (تفسیری بر کتاب تحلیل های پسین یا دومین، ارسطو)
- ۳- شرح کتاب النفس (تفسیری بر کتاب درباره روان ارسطو)
- ۴- شرح السماء و العالم (تفسیری بر کتاب درباره آسمان و جهان)
- ۵- تلخیص الخطابه
- ۶- تلخیص کتاب المقولات ارسطو
- ۷- تلخیص کتاب الجدل ارسطو
- ۸- تلخیص کتاب القیاس ارسطو
- ۹- تلخیص کتاب السفسطه ارسطو
- ۱۰- تلخیص کتاب الاخلاق ارسطو
- ۱۱- تلخیص کتاب الحسن و المحسوس ارسطو

ب) جوامع: در جوامع نص اصلی را حذف و به بیان موضوع کتاب اکتفا کرده است.

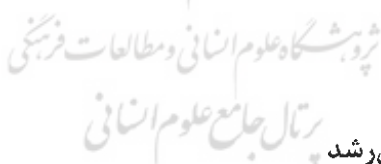
۱۲- جوامع کتب ارسطو طالیس فی الطبیعیات و الالهیات

۱۳- الضروری فی المنطق، خلاصه، همه نوشته های منطقی ارسطو

- ۱۴- کتاب الحيوان خلاصه كتب ارسطو درباره اعضاء حيوان و پيدائش جانوران
۱۵- جوامع سياسة افلاطون خلاصه و شرح مختصر كتاب سياست افلاطون
ج) نوشته‌های مستقل در زمینه‌های فلسفی، فقهی، کلامی، ادبی، نجومی و پزشکی.

نوشته‌های فلسفی ابن رشد

- ۱۶- تهافت التهافت رد بر تهافت الفلاسفة غزالی
۱۷- فصل المقال فيما بين الشريعة والحكمة من الاتصال
۱۸- الكشف عن مناهج الادلة في عقائد الملة
۱۹- مقالة في اتصال العقل بالانسان
۲۰- مقالة في جوهر الفلك
۲۱- كلام على قول ابي نصر (فارابی) في المدخل
۲۲- مسألة في الزمان
۲۳- مسألة في الحكمة
۲۴- مقالة في العقل
۲۵- مقالة في القياس
۲۶- مقالة في علم النفس



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نوشته‌های کلامی و فقهی ابن رشد

- ۲۷- بدایة المجتهد و نهاية المقتصد
۲۸- اخبار المستصفی (خلاصه مستصفی اثر غزالی در اصول فقه)
۲۹- الكشف عن مناهج الادلة في عقائد الملة

نوشته‌های نجومی ابن رشد

- ۳۰- ما يحتاج اليه من كتاب اقليدس في المجسطی
۳۱- مقاله في حركة الفلك

نوشته‌های ادبی ابن رشد

۳۲- الضروری فی اللغة

نوشته‌های پزشکی ابن رشد

۳۳- تلخیص کتاب الحمیات لجالینوس

۳۴- تلخیص العلل و الاعراض

۳۵- رسائل ابن رشد الطبیة

۳۶- شرح ارجوزة ابن سینا فی الطب

۳۷- لخیص الاعضاء الالمة

۳۸- مقالة فی التریاق

۳۹- کتاب الکلیات

۴۰- مقالة فی المزاج (ر. ک، عبادی، شرح بدياية المجتهد و نهاية المقتصد، ۱ / ۵، یوحنا قمیر، فلاسفة العرب، ۲۰).

ارزش علمی کتاب بدياية المجتهد و نهاية المقتصد

برخی اصالت آثار فقهی ابن رشد را (با در نظر گرفتن این نکته که وی برخلاف روش معمول خود در آنها به آثار فلسفی ارجاع نمی دهد) زیر سؤال برده اند و برخی دیگر احتمال داده اند کتاب «بدياية المجتهد و نهاية المقتصد» را عضو دیگری از خانواده بنو رشد نوشته است؛ اما تاریخ ۵۶۴ هـ که به طور اتفاقی در کتاب به عنوان تاریخ تألیف آمده با زمان نویسنده‌ای که در غرب به نام اورئوس شناخته شده است سازگاری دارد. این تاریخ درست پیش از انتصاب وی به سمت قاضی اشبیلیه بود، سمت بسیار مهمی که خبرگی نمایان شده او در آن رساله می تواند توجیه کننده آن باشد.

افزون بر این، وجود سدهای نسبتاً رخنه ناپذیر بین حوزه‌های متفاوت فعالیت یک نویسنده شگفت آور نیست، زیرا فقه در اسلام خود حوزه‌ای مستقل بود. به علاوه عقل گرایی، شکل دهنده

پایه کار ابن رشد و موحدان در بدایة قابل تشخیص است. این اثر یک رساله اختلاف است به عبارت دیگر اثری است به قصد تشریح راه‌حلهایی که مکتبه‌های گوناگون برای هر مورد فقهی پیشنهاد کرده‌اند که عبارت بودند از کهن‌ترین مکاتب؛ حنفی، مالکی و شافعی. همچنین ابن رشد، تعالیم حنبلی و ظاهری را بررسی کرده است و تقریباً در همه موارد، عقاید بنیان مکاتب کوچک اولیه را نقل می‌کند و بالاخره در موقعیتهای بسیار نادر، راه‌حلهای خوارج و شیعه را نیز بیان می‌کند.

از سوی دیگر چنانچه در دیباچه اثر اظهار می‌شود کتاب برای منظور عملی و شخصی نیز نوشته شده است. این واقعیت که در پیشبرد اثر برتری ویژه‌ای به فقه مالکی نسبت نمی‌دهد، با نیت او که از آغاز روشن ساخته، وفق دارد. این شیوه، از اشتیاق به وضوح که در رویکرد ابن رشد آشکار است، ناشی می‌شود؛ رویکردی که به نظرات مختلف فقه اسلامی احترام می‌گذارد و در عین حال ضمن بیان علتها و برهان‌های هر نظریه، گاهی به نقد آن می‌پردازد و بیشتر عقیده‌اش را با عبارتی چون روشن‌تر یا بهتر است بیان می‌کند.

اهمیت بدایه در آن است که به نظر می‌رسد نماینده پیشرفته‌ترین نمونه موجود از کاربرد روشمند اصول فقه در کل مجموعه فقه سنی است. ابن رشد پیشینان بسیاری دارد که آنان نیز کوشیده‌اند اختلافها را از راه بررسی روشهای استنتاجی توضیح دهند اما وی تنها کسی بود که به چاله جدل به سود یکی از مکاتب نیفتاد (ر.ک، اوروی دمینک، ابن رشد، ترجمه فریدون فاطمی، ۸۰).

ابن رشد در فقه بیشتر به «درایت» دلبستگی داشت تا «روایت» و در آن زمینه کتاب «بدایه المجتهد و نهاية المقتصد» را تألیف کرد.

ویژگی‌های فقهی ابن رشد

ابن رشد فقهی برجسته و چیره‌دست در زمینه تطبیق مذاهب است. وی با نگارش کتاب «بدایة المجتهد و نهاية المقتصد» توانست دیدگاههای منحصر به فرد خود را نمایان سازد و به عنوان یک فقیه نواندیش و آزاد از قید و بند تعصبات مذهبی، مورد تحسین قرار گیرد. کتاب فقهی او را می‌توان گامی در جهت تکامل حقوق اسلامی به شمار آورد.

مهمترین منبع ارجاع ابن رشد در ترجیح نظرات فقهی، سنت پیامبر است. او با این که خود را ملزم به پیروی از سنت می‌داند، اما از پذیرفتن سنت محتمل امتناع کرده و به سنت معتبر و قطعی استناد می‌نماید. وی با این که مالکی مذهب است اما با گرایش مالکی‌ها به سیره اهل مدینه مخالف است و آن را اجماعی محدود می‌داند که شایسته استناد نیست. در مقدمه کتاب *بداية المجتهد* آنجا که به بحث و بررسی طرق استنباط احکام می‌پردازد، درباره اجماع چنین می‌گوید: «و لَيْسَ الْإِجْمَاعُ أَصْلًا مُسْتَقْلَلًا بِذَاتِهِ» (ر.ک، عبادی، شرح *بداية المجتهد*، ۱/ ۱۸۱). به نظر ابن رشد اجماع هنگامی معتبر است که با یک نص محکم و خردپذیر تأیید شود. او اجتهاد را به عنوان اصلی کارآمد پذیرفته و به ویژه در مسایلی که احاطه بر آن از طریق قاعده دشوار است بر آن تأکید می‌نماید.

روش ابن رشد آن است که بعد از ذکر نظرها به بررسی آنها پرداخته و دیدگاه برتر را با عباراتی چون «*اظهر است*» یا «*اقوی است*» متمایز می‌سازد. در برخی موارد این دیدگاه برتر همان نظر شیعه یا بسیار نزدیک به آن است. مثلاً در باب طلاق در این مسأله که آیا حکم سد بار طلاق لفظی حکم سه طلاق است یا یک طلاق، بعد از ذکر نظرهای مختلف، در رد انعقاد سه طلاق چنین می‌گوید: «ولی با این سخت‌گیری جواز شرعی و رفق و مدارایی که در آیه «لَعَلَّ اللَّهُ يُخْدِثَ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» آمده است، باطل می‌شود» (ر.ک، ابن رشد، *بداية المجتهد*، ۲/ ۶۱) و این تأیید نظر شیعه است.

مورد دیگر در باب مهر المتعه است. جمهور فقها اعتقاد دارند که اگر مهری‌دای مشخص نباشد، به طریق اولی متعه هم واجب نخواهد بود. اما ابن رشد در رد نظر آنها می‌گوید: «این خیالی بیش نیست، چون وقتی مهری‌دای نباشد، متعه جایگزین آن می‌شود» (همو، ۲/ ۹۷) این سخن نیز تأیید دیدگاه شیعه در باب مهر المتعه است.

ابن رشد در باب میراث در مسأله اجتماع زوج و زوجه با پدر و مادر، در تأیید سخن آنان که برای زوج و زوجه سهم بالاتر، برای مادر، ثلث و برای پدر بقیه مال را قرار داده‌اند می‌گوید: «این قول *اظهر است*». (همو، ۲/ ۳۳۸). و این نیز همان نظر شیعه است.

با بررسی این موارد که به عنوان نمونه ذکر شد. آزاداندیشی ابن رشد و عدم وابستگی او نسبت

به عقیده‌ای خاص آشکار می‌شود؛ چراکه او باسنجش میان آرای مختلف، نظر برتر را بدون توجه به تعصبات مذهبی برگزیده و تأیید کرده است.

روش ابن‌رشد در تدوین کتاب بدایة المجتهد و نهاية المقتصد

این کتاب در دو جلد به ترتیب ابواب مختلف فقه تنظیم شده است. شیوه کار مؤلف آن است که در ابتدای هر بحث، تصویری کلی از فروع و بخشهای آن مبحث به خواننده نشان می‌دهد و سپس گام به گام به توضیح تفصیلی آن فروع می‌پردازد. هر یک از کتابهای فقهی مثلاً «کتاب الفرائض» را ابتدا به چند قسم و سپس هر قسم را به چند نوع و هر نوع را به چند باب تقسیم‌بندی کرده و درباره آنها بحث می‌کند؛ بدین صورت که نظرات فقهای مختلف را مطرح می‌نماید. فقهای از صحابه نظیر: علی رضی الله عنه، بن عباس، ابن مسعود، عمر، ابوبکر و... و همچنین فقهای متأخر چون ابوحنیفه، شافعی، مالک و احمد بن حنبل، بزرگان مذاهب چهارگانه و نیز افرادی چون سفیان ثوری، لیث، ابویوسف، ابن ابی لیلی، داوود ظاهری، اوزاعی، ابن ماجشون و... این کتاب به صورت خلاصه و موجز نوشته شده است. ذکر دلیل نظرها و بررسی آن و گاه اظهار نظر منطقی در مورد آنها و توجه به فروع مباحث و تبویب و فصل‌بندی جالب کتاب، آن را به صورت یک دوره کامل فقه کلاسیک و منظم درآورده است. منبع ارجاع ابن‌رشد در ترجیح یک نظر سنت و به ویژه سنتهای پیامبر است که با گنجانده شدن در کتابهای حدیثی بزرگ اعتبار می‌یابند. ابن‌رشد در پرداختن به این سنتها رویکردی نزدیک به شافعیه دارد اما او سنت قطعی را بر محتمل ترجیح داده و بدین سان راه خود را از شافعیه جدا می‌کند. از سوی دیگر با گرایش مالکیه به سیره مدنی (سیره اهل مدینه) مخالف است چراکه آن را یک اجماع محدود می‌داند که چیزی را ثابت نمی‌کند. به نظر ابن‌رشد اجماع فقط هنگامی معتبر است که با یک نص یا تفسیر خردپذیر تأیید شود. او کاربرد استدلال تمثیلی (قیاس) را به دلیل وجود نمونه‌های مشخص نامحدود می‌پذیرد. وی در حالی که در برابر نص‌گرایی ظاهریه که آن را عاجز کننده می‌داند نگرشی عبوس دارد ولی بر تقلید کورکورانه پیشینیان مالکی خود، دل می‌سوزاند و از تلاش شخصی (اجتهاد) به ویژه در مسایلی که احاطه بر آن از طریق قاعده دشوار است؛ طرفداری می‌کند.

سازش انجام شده در بدایة با این که در آن زمان نفوذش از حوزه عمل یک قاضی، فراتر نمی‌رفت ولی به هر حال گامی در جهت تکامل حقوق اسلامی است. از یک سو بر گرایش امروزی بر پرهیز از چسبیدن به یک مکتب و به حساب آوردن دیگر آموزه‌های مطرح شده، تأکید دارد و از سوی دیگر عقل‌گرایی نهفته در آن، راه را برای آیندگان هموار کرده است (اوروی دمینیك، ابن‌رشد، ۱۸).

در اینجا مناسب است که به برخی از ابواب این کتاب اشاره کنیم:

کتاب الطهارة، کتاب الوضوء، کتاب الغسل، کتاب التیمم، کتاب الطهارة من النجس، کتاب الصلوة، کتاب الاحکام المیت، کتاب الزکاة، کتاب الصیام و... که تا پایان کتاب الاطعمة و الاشربة جلد اول این کتاب را تشکیل می‌دهد و جلد دوم با کتاب النکاح آغاز شده و پس از بررسی کتاب الطلاق، کتاب الایلاء، کتاب اللعان، بیوع و... با کتاب القضية پایان می‌یابد.

شرح کتاب بدایة المجتهد و نهاية المقتصد

تنها شرح مدونی که بر این کتاب نوشته شده، «السیبیل المرشد الی بدایة المجتهد و نهاية المقتصد» است که به قلم دکتر عبدالله العبادی در سال ۱۴۱۲ هـ ق به رشته تحریر درآمده است. روش وی بدین صورت است که متن منقح و صحیحی را از بدایه در متن آورده و در پاورقی به مناسبت، سلسله سند و منبع روایات و شمارد آیات را مشخص کرده است.

مسأله مهم در شرح بدایه این است که مؤلف با مراجعه به کتب مشهور هر یک از بزرگان مذاهب، جایی که بیان ابن‌رشد را دشوار یافته، غوامض و مشکلات آن را با زبانی ساده توضیح داده است. دیگر آن که در بسیاری از موارد که ابن‌رشد از آوردن نظر احمد بن حنبل غفلت کرده، شارح، نظر وی را نیز در پاورقی افزوده است. در برخی موارد نیز نسبت به ترجیح نظری توسط ابن‌رشد انتقاد داشته و دلایلی بر خلاف آن ارایه کرده است.

به هر حال کتاب بدایة المجتهد و نهاية المقتصد، کتابی مفید و مختصر در زمینه فقه تطبیقی مذاهب چهارگانه و برخی دیگر از مذاهب، همچون ظاهریه است. از ویژگیهای منحصر به فرد این کتاب، آن است که مؤلف در عین پرداختن به نظرهای سایر مذاهب، استقلال و بی‌طرفی

خویش را حفظ کرده است و این مسأله، آن را در ارایه نظرات فقهی مذهبش هیچ گونه تعصبی به کار نبرده بلکه با واقع نگری و آزاداندیشی به بررسی آراء پرداخته و با دلایل منطقی نظر درست تر را، هر چند مخالف نظر مالک، بیان کرده است.

دکتر عبدالله العبادی، شارح بدایة اثرش درباره کتاب بدایة المجتهد چنین نگاشته است: «إِنَّ هَذَا الْمُؤَلَّفَ حَقًّا فَرِيدًا مِنْ نَوْعِهِ، سِوَاءِ أَكَانَ فِي مَوْضُوعِهِ، أَمْ فِي اخْتِصَارِهِ مَعَ فَوَائِدِهِ الْجَمَّةِ، لَا يَسْتَعْنِي عَنْهُ لَأَقْدِيمًا وَلَا حَدِيثًا، فَعَلَى صِغَرِ حُجْمِهِ فَإِنَّهُ حَقًّا بَدَايَةُ الْمُجْتَهِدِ وَ نَهَايَةُ الْمُفْتَصِدِ.»

📖 منابع و مأخذ

- ۱- ابن رشد، محمد بن احمد (۵۲۰-۵۹۵ ق). بدایة المجتهد و نهاية المقتصد، مصر. مكتبة التجارية الكبرى، بی تا.
- ۲- اوروی، دمینیك، ابن رشد، ترجمه فریدون فاطمی، چاپ اول، بی جا، نشر مركز. ۱۳۷۵.
- ۳- رینان، ارنست، ابن رشد و الرشديه، نقله الى العربية عادل زعيتر، مصر، دارالاحياء الكتب العربية، ۱۹۵۷ م.
- ۴- زرکلی، فخرالدین (۱۳۹۶)، الاعلام و قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء من العرب و المعتمدين و المستشرقين، بيروت، دارالمعلم للملايين. ۱۹۹۲ م.
- ۵- عبادی، عبدالله، شرح بدایة المجتهد و نهاية المقتصد، دارالسلام، للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۶.
- ۶- عقاد، عباس محمود، نوايغ الفكر العربي (۱) ابن رشد، مصر. دارالمعارف، بی تا.
- ۷- قمبر، یوحنا، فلاسفة العرب (۶). ابن رشد، بيروت، بی تا. ۱۹۸۶ م.
- ۸- کاراده شو، «ابن رشد»، دایرة المعارف الاسلامی، جمعی از نویسندگان، بی جا، بی تا، ۱۹۳۳.